

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

همایون "باختریانی"

۸ دسمبر ۲۰۱۶

تصحیح، تنظیم و شرح لغات: خ. معروفی

دیوان

"عبدالله شهاب تُرشیزی هروی"

۲۱۷

رباعیات

—۱—

ای باد صبا برو بگو یار مرا کی^۱ از تو هزار تمشیت^۲ کار مرا

هر کار معطل است، بهر پرکار بفرست به لطف، زود پرکار مرا

ای جود ترا، جانب امید شتاب معموره بحر و کان ز جود تو خراب

انگشتی و اسپ عطا کن، که کنم انگشت در انگشتی و پا به رکاب

در هجر تو ای نگار سیمین غبغب صبحم همه شام گشت و روزم همه شب

آیا بینم، که یک شب از اول شام؟ تا صبح نهم بر لب نوشین تو لب

^۱ "کی" مخفف "که ای" است

^۲ "تمشیت" یا "تمشیه": (بر وزن "تجزیه و تفرقه و تربیت") کلمه عربی و مصدر باب "تفعیل" و در معنای "به راه انداختن" و "راندن" و "روان کردن" - برخاسته از مصدر ثلاثی مجرد "مشی"، که در معنای "رفتن" است.

آنجا، که بود جلوه گه پرتو ذات چیزی نتوان یافت به جز عین صفات
آنجا نه زمان و نه مکان می باشد نه سال و نه ماه و حدود و نه جهات
